سیمرغ

پرنده‌ای که پرش رنگ آسمان را بود
و بی‌قراری بالش چو موج دریا بود
به سوی دورترین کهکشان پرید و پرید
نفس کشید در آن بی‌کرانهٔ آزاد
شکوفه‌ای سفید ستاره‌ها را چید
که آورد به زمین.

و عاشقی ز پی‌اش روز و شب
دوید و دوید
ز صخره‌های گران سنگ سرنوشت گذشت
کجا رسید به سیمرغ خویش و گم گردید...

تو ای پرنده جاوید
ای آرزو!
که آسمان و زمین را به زیر پر داری
ز نور چشمه‌ها پاک‌تر به پرواز آ
و هر کجا که روی
بازگوی ما باز آ
که رنگ بال و پرت نقش رنگ‌های ماست.

× × ×

همدان اسفند ۱۳۹۰
زاده